



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

گفت و گوی صبا با پیمان سلیمانی،

شاعر و منتقد ادبی

وظیفه شعر پریش آفرینی است، نه پاسخگویی!



بر روزنامه ها خبرم را گرفته اند!
سببه ها ترس را برم را گرفته اند!
هر بار مر رسد تیر ها به وقت مرگ!
قبلا انگه کجا شرم را گرفته اند!
ایم روزها شکار صیغ دور نیستند!
لازم تمام مال و یرم را گرفته اند!
کاخ جنگجو ز صبر بیرون قلعه ام
دروازه ها ریخت سرم را گرفته اند
دیگر امید نیست! به تسلیم قانعم!
کاخ کشورم که بیشترم را گرفته اند!
سفت است لایق کاخ بمانم از این به بعد
مشتر کلاخ دور و برم را گرفته اند...!!!
در ایستگاه قبل زبانم اضافه بود
در ایستگاه بعد سرم را گرفته اند!
تزیین لاشته و شاید تصادف کاه!
مع خواب دیده ام نظرم را گرفته اند!

منتشر شود قطعاً باید ویرایش شود، ویرایش اثر شعری به هیچ عنوان در تضاد با خلقت اثر نیست. ویرایش باعث بهتر شدن شعر می شود همانطور که آقای بهمنی شعر ابتدایی خود را به این شکل سروده بود: ۱۰ سال دور و تنها/ تنها به جرم اینکه/ او سر سپرده می خواست/ من دل سپرده بودم، همین شعر در چاپ های بعدی به این شکل منتشر شد که: یک عمر دور و تنها/ تنها به جرم اینکه... در اینجا واژه ۱۰ سال به یک عمر تغییر داده شد و ماحصل آن برای مخاطب عمومی تر و ملموس تر بود. ۱۰ سال نتیجه تجربه شخصی شاعر است، اما عمر می تواند شامل چندین حالت زمانی باشد.

شعر امروز در ایران از چه سطح کیفی ای برخوردار است؟
شاعران دیده نمی شوند! چون هنر شعر نسبت به هنرهای دیگر جلوه گر نیست، از طرفی شعر در ایران اصلاً دارای وجهه اقتصادی و مادی نیست، یعنی اصلاً شعر سربازی برای یک شخص نمی تواند منبع درآمد باشد. مخاطب امروزی بیش از شعر، دنبال کننده رمان و داستان است. شعر امروز نتوانسته هم پای دنیای مدرن امروز پیش برود. مردم از شاعران فاصله گرفته اند و دیگر مانند گذشته، دردهای خود را در شعر جستجو نمی کنند. متأسفانه شعر هم دچار کمبود و فقدان پژوهش، نظریه و تئوری است. با این مهم که وظیفه شاعر پاسخ دادن به پرسش نیست، شاعر پرسش آفرینی می کند و به چالش می کشد. شاهدیم که در دهه ۳۰ و ۴۰ شاعرانی آمدند که ادبیات و جهان بینی قبل از خود را به چالش کشیدند، امثال نادر نادر پور، سیاوش کسائی پور، نصرت رحمانی، فروغ فرخزاد، احمد شاملو و... که در این کار موفق بودند. متأسفانه امروزه ادبیات ما تبدیل شده به ادبیات ذوقی، کافه ای، دوره می که عاری از فلسفه و نظریه است که از فضای علمی فاصله گرفته و به فضای ذوقی پناه آورده است. ما در این دو دهه اخیر با هنرمندانی مواجهیم که تئوری نخوان، نظریه نخوان و ادبیات نخوان هستند. همین امر باعث شده که شعر تا اندازه ذوق باقی بماند، بدون اینکه جهان بینی انسان را به چالش بکشد. به همین خاطر مخاطب امروز ما هنوز شاملو می خواند به این معنی که شعر در ایران متوقف شده و حرکت رو به جلویی نداشته، البته شاعران خوبی هم در امروز داریم اما تعداد آنها بسیار کم است.

اینکه دیگر چاپ آن به صورت کلی متوقف شد. جشنواره شب های شهر یور هم از جشنواره های معتبر شاعران بود که من در آن دو بار حائز رتبه اول شدم
اشعار شما بیشتر در چه سبکی سرائیده شده است؟ و چه مضامینی دارند؟
بیشترین فعالیت شعری من در این سال هادر گونه غزل بوده است، اما غزلی که با فضای نو و آوانگارد و مدرن امروز ارتباط دارد و شاید بتوان فضای آن را در بینایی از سبک نئوکلاسیک و مدرن دانست. موضوع شعرهای من در گذشته بیشتر عاشقانه بود حالا هم گاه گذاری شعر عاشقانه می نویسم، اما طبیعتاً با توجه به شرایط و تجارب زیسته اکنون اغلب کارهایم فضای اجتماعی را به خود گرفته اند. کارهایی که به قول شاملو واگویی های از دردهای مشترک جمعی هستند.

بیشترین آسیب در شعر امروز ایرانی چیست؟
رویکرد نوگرایانه ای که از اواخر دهه ۷۰ شروع شد و جریان نیافت... این رویکرد با این نگاه همراه بود که «شعر باید فرزند زمانه خود باشد.» ما باید گزارشی صحیح به تاریخ ادبیات کشورمان بدهیم، شعر خوب یک گزارش ادبی به تاریخ ادبیات است و تنها زمانی این گزارش بکر است که برگرفته از نگاهی صادقانه، امروزی و نو باشد، در غیر این صورت مانند خیلی آثار دیگر در طول زمان غبار فراموشی آن را می گیرد و ماندگار نخواهند بود.

آیا شما بعد از سراییدن شعر آن را تصحیح و باز نویسی هم می کنید؟
بله چرا که من معتقدم شاعر هرگز در یک شعر تمام نمی شود، شعر موهبتی است که در یک لحظه آفریده می شود، اما این مسئله منوط به این امر است که شاعر از قبل وجود دارد و آن لحظه جوششی است که از خروش های پی در پی قبلی ریشه گرفته است. نوشتن برای شاعر ادامه روندی است که فکر و احساس او را مدت ها درگیر کرده است. در واقع شاعر از دگر دسی تجارب زیسته خود کلماتی را روی صفحه متظاهر می کند. حال این زیست شاعر می تواند زندگی شخصی، مطالعات و یا برگرفته از اتفاقات محیطی او باشد. درباره اصلاح و باز نویسی معتقدم وقتی شعر قرار است به مخاطب برسد و یا

سمیه خاتون - پیمان سلیمانی از شاعران معاصر امروز ایران است. در همین ابتدا به جای معرفی بیوگرافی وار از این شاعر قطعه شعری از ایشان را آورده ایم، چرا که برای شاعران، شعر گویای همه چیز است و خود ناچیز! در ادامه خبرنگار صبا در باره شعر امروز و آسیب شناسی از این حوزه با او گفت و گویی داشته که می خوانید.
از چه زمانی حس کردید دارای قریحه شاعرانه هستید و چقدر زمان برد که این قریحه قوام بگیرد و شاعری را به صورت حرفه ای آغاز کنید؟

برای شاعر هیچگاه مسئله زمان به شکلی که برای بقیه مصطلح است مطرح نیست. این سیری شکل گیری از قریحه ذوقی تا قوام برای شاعر قابل حس نیست، یعنی ممکن است یک روز به خودت بیایی و ببینی که جوشش و خروشی درونت است که گویی تو تنها حامل آن هستی. اما آغاز حرفه ای من به عرصه شعر به دوران قبل از ورود به دانشگاه برمی گردد؛ زمانی که من در یک سری جلسات حرفه ای حضور پیدا کردم، حضور در این جلسات و شاگردی اساتید صاحب سبک و صاحب نام باعث شد نگاه ذوقی من به شعر تغییر و ساختار مند شود. از همان جا فعالیت من با مطبوعات آغاز شد و در جشنواره های مختلف شرکت کردم.

اولین شعری که گفتید و با استقبال مخاطب مواجه شد را به یاد دارید؟
سال ۱۳۷۹ بود، شعری نوشته بودم با ردیف «چشم» در آن زمان این شعر خیلی به روز بود، شاید با گذشت زمان من نتوانم روی آن خیلی ادعای نوگرایی داشته باشم اما در آن روزگار و برای مخاطب آن روز بسیار نو بود. این شعر را برای مجله «جوانان امروز» فرستادم. این مجله در آن روزها مرجعی برای شاعران بود که در دو بخش تفکیکی شعر جوانان و حرفه ای ها را چاپ می کرد. یکی از هدف های ما این بود که از قسمت مختص جوانان به آن قسمت که مختص حرفه ای هاست برسیم، شعرمان در آن ردیف چاپ شود. در آن زمان یاد دارم که آقای سهیل محمودی مسئول این مجله ادبی بود که بعد از رفتن ایشان متأسفانه مجله دچار افت شدیدی شد تا

تازه ترین محصول سازمان سینمایی سوریه
... و بنیاد سینمایی فارابی ...



به زودی...

